ریخت‌شناسی تطبیقی مقامه‌های فارسی و عربی

فائزه عرب یوسف‌آبادی[1*]، زهرا اختیاری[2]، سید جواد مرتضایی[3]، سمیرا بامشکی[4]

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
٤. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دریافت: ۹۰/۱۰/۱٤ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱٤

دوفصلنامهٔ علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱ (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۲۷-٤۸

چکیده

مقامه‌های فارسی و عربی با وجود فراوانی و تنوع ظاهری، بنیانی همبسته دارند که حاصل ساختار روایی مشترک آن‌ها است. هدف اصلی این پژوهش، کشف و شناخت این ساختار روایی مشترک است. بدین منظور بر پایهٔ «نظریهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ» به ارزیابی ۱۲٤ مقامهٔ موجود در کتاب‌های ***مقامات بدیع‌الزمان همدانی***، ***مقامات حریری*** و ***مقامات حمیدی*** پرداختیم و دریافتیم که ساختار روایات مقامه‌های فارسی و عربی از نظر انواع قهرمان و عملکرد آنان همانند هستند و در ۳۱ «خویشکاری» و هفت حوزهٔ عمل با نظریهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ قابل تطبیق هستند. چنین رویکردی سبب شد، طرح ۱۲٤ مقامه را در چارچوب الگویی واحد خلاصه کنیم و به این نتیجه برسیم که ساختار روایی این مقامه‌ها، در واقع اشکال مختلف از یک طرح اولیهٔ بنیادین است که در خلق و ایجاد گونهٔ مقامه مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: ریخت‌شناسی، مقامه، مقامات بدیع‌الزمان همدانی، مقامات حریری، مقامات حمیدی.

۱. مقدمه

واژهٔ «مقامه» به فتح اول از ریشهٔ «قام، یقوم، قوماً» و «قومه، قیاماً، قامه»؛ به معنی «مجلس، جماعت مردم، موعظه و خطبه» است که پس از چندین قرن حضور در شعر شاعران و نثر ادیبان، در قرن چهارم هجری توسط *بدیع‌الزمان همدانی* (۳۵۸- ۳۹۸هـ.ق) به نوعی نثر فنی

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: famoarab@gmail.com

Archive of SID
www.SID.ir

اطلاق شد که غالباً در روایاتی کوتاه، مسائل اجتماعی، فرهنگی و ادبی جامعهٔ راوی را منعکس می‌کرد.

با هنرپردازی *ابوالقاسم حریری* (٤٤٦- ٥١٦ هـ.ق)، فن مقامه‌نویسی، به‌عنوان یک گونهٔ جدید ادبی در فصاحت و بیان مشهور شد. از آن زمان تاکنون نویسندگان بسیاری از فن مقامه‌نویسی برای نشان دادن هنر خویش در روایت‌پردازی و توجه به لفظ و زیبایی اسلوب استفاده کردند.

یکی از این افراد *قاضی حمیدالدین بلخی* (متوفی ٥٩٩ هـ.ق)است. او نخستین کسی بود که به زبان فارسی به مقامه‌نویسی پرداخت و در مقدمهٔ کتاب خود دربارهٔ تقلید از مقامات عربی چنین اذعان کرد: «... تا وقتی به حسن اتفاق در نشر و طی آن اوراق به **مقامات بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری** رسیدم و آن دو درج غرر و دو درج درر بدیدم...» (بلخی، ١٣٦٥: ٢١).

براساس تعریف مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، موضوع تحقیق در ادبیات تطبیقی عبارت است از «پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و یافتن پیوندهای ادب گذشته و حال و به‌طور کلی، ارائهٔ نقشی که پیوندهای تاریخی بر آن تأثیر بگذارد و از آن تأثر بپذیرد» (غنیمی الهلال، ١٣٧٣: ٣٦). با توجه به اینکه شرط انجام پژوهش‌های تطبیقی از این منظر، برخورد تاریخی و تأثیرپذیری و تفاوت زبان در آثار ادبی است و با عنایت به اعتراف قاضی حمیدالدین در مقدمهٔ اثرش، مبنی بر تأثیرپذیری از مقامات عربی، مبنای نظری این مقاله در چارچوب اهداف مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است که با استفاده از نظریهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ به مقایسهٔ اثری ادبی در یکی از زبان‌ها (مقامات حمیدی به زبان فارسی) با اثری مشابه در زبان دیگر (مقامات حریری و مقامات بدیع‌الزمان همدانی به زبان عربی) می‌پردازیم.

پرسشی که در مقالهٔ حاضر مطرح می‌شود این است که «مقامه‌های فارسی و عربی از چه الگو و ساختار روایی برخوردار هستند و این الگوی روایی تا چه میزان با یکدیگر شباهت دارد؟»

برای پاسخگویی به این پرسش، به ارزیابی و توصیف سازه‌های روایی ١٢٤ مقامه پرداختیم. فرضیهٔ پژوهش حاضر این است که ساختار روایات مقامه‌های فارسی و عربی با

www.SID.ir

وجود فراوانی و تنوع ظاهری، از نظر انواع قهرمان و عملکرد آنان، نوعی وحدت و هماهنگی متقابل دارند و این ساختار، در هفت حوزهٔ عمل و ۳۱ خویشکاری با نظریهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ قابل تطبیق است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

منتقدان و پژوهشگران زبان و ادبیات عربی و فارسی، آن‌گونه که بایسته است، به بخش داستانی مقامه توجهی نکرده‌اند و در این‌باره اتفاق‌نظری وجود ندارد. عده‌ای معتقدند که مقامه، فاقد اهداف مربوط به داستان‌سرایی است. شوقی ضیف در کتاب ***تاریخ الادب العربی*** برای مقامه، هدفی تعلیمی قائل است و غرض از انشای آن را نه قصه‌پردازی و داستان‌سرایی، بلکه آموزش لغات و تعبیرات غریب زبانی می‌داند و به همین دلیل مقامه‌ها را در ردیف «ارجوزه‌های[۱] تعلیمی» قرار می‌دهد (ضیف، بی‌تا: ٤٠٤).

او در کتاب ***المقامه*** نیز بر این عقیده تأکید می‌ورزد و اعلام می‌کند: «مقامه قصه نیست؛ بلکه حدیث ادبی بلیغی است که به حیله نزدیک‌تر است تا قصه...» (ضیف، ١٩٥٦: ٩). در این‌باره موسی سلیمان نیز با شوقی ضیف هم‌عقیده است؛ به‌طوری‌که در کتاب ***الادب القصصی عند العرب*** چنین بیان می‌کند: «مقامه فاقد ویژگی‌های داستانی است و هدفی که یک داستان، آن را دنبال می‌کند به هیچ عنوان در مقامات دیده نمی‌شود» (سلیمان، ١٩٨٣: ٣٤٢– ٣٤٤).

از سوی دیگر برخی از پژوهشگران نیز تنها به معرفی عناصر داستانی مقامات پرداخته‌اند. در زبان فارسی، حسن دادخواه و لیلا جمشیدی در چند مقاله، انواع عناصر داستانی مقامات حمیدی و حریری را بررسی و در مقالهٔ «عنصر شخصیت در مقامات حریری و حمیدی» در این‌باره با صراحت اعلام کرده‌اند: «مقامه از نظر داشتن عناصر داستان و پردازش نیکوی آن از چنان قوت و مقبولیتی برخوردار است که می‌تواند با داستان‌های کوتاه در عصر حاضر برابری کند» (دادخواه و جمشیدی، ١٣٨٦: ١٧).

علاوه بر این، فیروز حریرچی و محمدحسین کاکویی در مقالهٔ «شخصیت و شخصیت‌پردازی در مقامات حریری» که مأخوذ از پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی داستان و عناصر آن در مقامات حریری» است، به بررسی شخصیت‌های مقامات حریری برمبنای عناصر داستانی می‌پردازند و

www.SID.ir

آن‌ها را به انواع شخصیت پویا، ایستا، پیچیده و ساده تقسیم می‌کنند.

در نقد این آثار باید گفت که گنجاندن گونهٔ مستقل مقامه در قالب داستان کوتاه، به‌دلیل عدم جامعیت لازم، سبب تحمیل نظریه بر متن می‌شود؛ زیرا همهٔ مقامات ساختار یکسانی ندارند و حتی در مقامات حریری که ما با طرحی قوی از داستانی کلان مواجهیم، برخی از مقامه‌ها فقط روایتی از یک «گفت و شنید» و بعضی نیز فقط روایتی از یک «گفت» هستند؛ به‌عنوان مثال مقامه‌های: «حلوانیه، فراتیه، قطیعیه، رملیه، طیبیه، شیرازیه، ملطیه و نجرانیه».

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که تکلیف این مقامه‌ها، با توجه به اینکه بخش قابل تأملی از مقامات را شامل می‌شوند، چیست و این گروه از مقامه‌ها ازحیث گونه‌شناسی، در کدام رده‌بندی انواع ادبی قرار می‌گیرند؟

نگارندگان معتقدند برای حل این مسئله بهتر است گونهٔ مقامه را روایت بدانیم تا داستان؛ زیرا دایرهٔ موضوعات مرتبط با روایت، گسترده‌تر از داستان است و «مجموعه‌ای است که اخبار روزنامه‌ها، کتاب‌های تاریخی، رمان‌ها، فیلم‌ها، جلسات روان‌کاوی و... را نیز دربرمی‌گیرد» (Rimmon & Kenan, 2002: 1).

تنها تحقیق مستقل در این‌باره، کتاب ***السرد فی مقامات الهمذانی*** نوشتهٔ ایمن بکر است که از حیث نظریه و روش با پژوهش حاضر تفاوت‌های اساسی دارد. این کتاب، براساس «نظریهٔ روایت‌شناسی ژرار ژنت»، به تحلیل تکنیک روایت در مقامات بدیع‌الزمان همدانی می‌پردازد. از معایب این کتاب این است که نویسنده در تحلیل تکنیک روایت، همهٔ مصداق‌های موجود در مقامات بدیع‌الزمان را ارائه نداده است؛ به‌عنوان مثال تمامی مباحث مربوط به «زاویهٔ دید و کانونی‌سازی»، «سطوح کانونی‌سازی در مقامات بدیع‌الزمان»، «عوامل کانونی‌ساز در مقامات» و «عوامل کانونی‌شونده در آن» فقط در پانزده صفحه (٦٤– ٧٩) گنجانده شده است و مباحث مربوط به «زمان داستان، زمان متن»، «ترتیب: تأخر و تقدم زمان»، «دیرش: حذف؛ خلاصه؛ صحنه و مکث توصیفی»، «بسامد: بسامد منفرد؛ تکراری و مکرر» فقط در یازده صفحه (٩٣– ١٠٤) گنجانده شده است. این امر سبب شده پژوهش ایمن بکر، از جامعیت لازم برخوردار نباشد.

با توجه به پیشینهٔ تحقیق، نوآوری این مقاله در این است که برای نخستین‌بار با استفاده از نظریهٔ ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ، به کشف و طبقه‌بندی اجزای اصلی تشکیل‌دهندهٔ ساختار روایت‌های مقامات فارسی و عربی می‌پردازد و نقش آن‌ها را در ایجاد نظام و قانون

www.SID.ir

کلی حاکم بر روایات گونهٔ مقامه تبیین می‌کند. بنابراین این پژوهش براساس مشخصه‌های ساختاری، به دو نتیجهٔ جدید می‌رسد:

۱. جدا کردن نوع روایات مقامات از دیگر انواع داستانی؛

۲. رده‌بندی خود روایات مقامات.

۳. ریخت‌شناسی مقامه‌های فارسی و عربی

اصطلاح «ریخت‌شناسی[۲]» در روایت‌شناسی، برای توصیف قصه برپایهٔ اجزای سازندهٔ آن و همبستگی این اجزا با یکدیگر و کل قصه به کار می‌رود. طبق این نظریه، هر قصه دارای یک ساختار است؛ ساختاری از تمهیدات و شگردهای داستانی که عناصر آن، مواردی چون «شخصیت»، «خویشکاری» و «حرکت» است که در نسبت با یکدیگر و با کل ساختار، هماهنگی متقابل دارند. «پراپ» با ریخت‌شناسی صد قصهٔ روسی از مجموعهٔ قصه‌های «افاناسیف[۳]» به این برداشت رسید که ساختار قصه یا داستان‌ها، به واحدهای کوچک‌تر روایی قابل تقلیل است؛ تا آنجا که کوچک‌تر از آن ممکن نباشد. در ریخت‌شناسی قصه، این واحدهای کوچک روایی را «خویشکاری[٤]» می‌نامند. برای ریخت‌شناسی مقامه‌های فارسی و عربی، ابتدا باید خویشکاری‌هایشان را مشخص کنیم تا براساس آن به ارزیابی و توصیف سازه‌های روایی مقامه‌های فارسی و عربی بپردازیم.

۳-۱. خویشکاری

پراپ، اجزای اصلی قصه را کارهایی می‌داند که اشخاص در قصه انجام می‌دهند. او این اجزا را به ۳۱ خویشکاری محدود می‌کند و معتقد است که «عناصر متغیر»، نام و صفت قهرمانان و «عناصر بنیادین»، کارهایی است که اشخاص قصه انجام می دهند (Propp, 1989: 21). این حکم، اصل مهم رده‌بندی پراپ را تشکیل می‌دهد. او مجموعهٔ ۳۱ خویشکاری را به‌همراه نشانه‌ها و علائم اختصاریشان بیان می‌کند؛ هریک را شرح می‌دهد و براساس آن‌ها به تجزیهٔ عملی قصه می‌پردازد و مسائل مربوط به این تجزیه را برمی‌شمارد.

بر این اساس، پس از بررسی اجزای اصلی تشکیل‌دهندهٔ ۱۲٤ مقامهٔ فارسی و عربی، به این نتیجه رسیدیم که این روایات شامل ۳۱ خویشکاری می‌شود که عنصر اصلی طرح ساختار آن‌ها

www.SID.ir

است. همان‌طور که تمام قصه‌های پراپ همهٔ ۳۱ خویشکاری را ندارند، هر مقامه نیز دارای تمامی این ۳۱ خویشکاری‌ها نیست. زنجیرهٔ خویشکاری‌هایی که ذیل ۳۱ خویشکاری در جدول زیر ارائه می‌شود، علاوه بر آنکه بنیاد ریخت‌شناسی «قصه‌های پریان» را نشان می‌دهد (Ibid: 25- 26)، میزان انطباق خویشکاری‌های گونهٔ مقامه با آن را نیز مشخص می‌کند:

خویشکاری‌های قصه‌های پریان:	خویشکاری‌های مقامه‌های فارسی و عربی:
۱. وضعیت آغازین:(α) الف. اعضای خانواده معرفی می‌شوند . ب. قهرمان معرفی می‌شود .	راوی معرفی می‌گردد.
۲. غیبت: (β) یکی از اعضای خانواده، خانه را ترک می‌کند.	قهرمان و راوی، خانه را ترک می‌کنند.
۳. نهی: (γ) قهرمان از انجام کاری نهی می‌شود.	راوی، قهرمان را از انجام اعمال خلاف اخلاق وعرف نهی می‌کند.
٤. نقض نهی: (δ) ممنوعیت، نقض می‌شود.	شریر یا قهرمان داستان به اعمال خلاف عرف و اخلاق می‌پردازد.
٥. خبرگیری: (ε) شخص خبیث در صدد جمع‌آوری اطلاعات برمی‌آید.	شخص خبیث به هنگام انجام شرارت و قهرمان اصلی، به هنگام شرکت در مجالس مناظرات و مباحثات ادبی در صدد جمع‌آوری اطلاعات در مورد طرف مقابل خویش بر می‌آیند.
٦. کسب خبر: (φ) شخص خبیث اطلاعاتی دربارهٔ قربانیش به دست می‌آورد.	الف. شخص خبیث اطلاعاتی دربارهٔ قربانیش به دست می‌آورد ب. قهرمان، اطلاعاتی دربارهٔ طرف مقابلش به دست می‌آورد .
۷. فریبکاری: (λ) شخص خبیث تلاش می‌کند که قربانیش را بفریبد.	شخص خبیث تلاش می‌کند که قربانیش را بفریبد.
۸. شرارت، کمبود :(A) شخص خبیث شرارتی را انجام می‌دهد.	شخص خبیث یا قهرمان، شرارتی را انجام می‌دهد.
۹. میانجیگری: (B) بداقبالی یا کمبود، آشکار می‌شود. فرمان یا خواهش به قهرمان ابلاغ می‌شود.	بداقبالی یا کمبود، آشکار می‌شود. فرمان یا خواهش به قهرمان ابلاغ می‌شود.

Archive of SID
www.SID.ir

خویشکاری‌های قصه‌های پریان:	خویشکاری‌های مقامه‌های فارسی و عربی:
۱۰. مقابلهٔ اولیه: (C) جست‌وجوگر موافقت می‌کند یا تصمیم می‌گیرد که با آن مقابله کند.	جست‌وجوگر موافقت می‌کند یا تصمیم می‌گیرد که با آن مقابله کند.
۱۱. عزیمت: (↑) قهرمان خانه را ترک می‌کند.	قهرمان، خانه یا محفل ادبی را ترک می‌کند.
۱۲. اولین کارکرد بخشنده: (D) قهرمان مورد آزمایش قرار می‌گیرد.	قهرمان، مورد آزمایش قرار می‌گیرد.
۱۳. واکنش قهرمان: (E) قهرمان به کنش‌های بخشندهٔ آینده واکنش نشان می‌دهد.	قهرمان به کنش‌های بخشنده، واکنش نشان می‌دهد.
۱٤. دریافت عامل جادویی: (F) قهرمان وسیله‌ای سحرآمیز به دست می‌آورد.	قهرمان، پول یا وسیله‌ای سحرآمیز به دست می‌آورد.
۱۵. انتقال مکانی: (G) قهرمان به محل آن چیزی که جست‌وجو می‌کند منتقل یا راهنمایی می‌شود.	الف. قهرمان به محل آن چیزی که جست‌وجو می‌کند، منتقل می‌شود.
۱٦. مبارزه: (H) قهرمان و شخص خبیث مبارزه‌ای رودررو را آغاز می‌کنند.	الف. قهرمان و شخص خبیث مبارزه‌ای رودررو را آغاز می‌کنند. ب. قهرمان به مناظرهٔ ادبی می‌پردازد.
۱۷. داغ گذاشتن: (J) قهرمان زخم می‌خورد.	الف. قهرمان زخم می‌خورد. ب. در مناظره، طرف مقابل به اهانت می‌پردازد یا قهرمان را تحقیر می‌کند.
۱۸. پیروزی: (I) شخص خبیث شکست می‌خورد.	شخص خبیث یا طرف مقابل مناظره، شکست می‌خورد.
۱۹. رفع مشکل: (K) بداقبالی یا کمبود اولیه رفع می‌شود.	الف. بداقبالی یا کمبود اولیه رفع می‌شود.
۲۰. بازگشت: (↓) قهرمان باز می‌گردد.	الف. قهرمان باز می‌گردد. ب. قهرمان در محفلی ادبی به جمع ادب دوستان می‌پیوندد.
۲۱. پیگیری، تعقیب: (Pr) قهرمان تعقیب می‌شود.	قهرمان، تعقیب می‌شود.

Archive of SID
www.SID.ir

خویشکاری‌های قصه‌های پریان:	خویشکاری‌های مقامه‌های فارسی و عربی:
۲۲. نجات: **(Rs)** قهرمان از تعقیب جان سالم به درمی‌برد.	قهرمان از تعقیب، جان سالم به درمی‌برد.
۲۳. ورود به طور ناشناس: **(O)** قهرمان به‌صورت ناشناس، به خانه یا سرزمین دیگر وارد می‌شود.	قهرمان به‌صورت ناشناس، به خانه یا سرزمین دیگر وارد می‌شود.
۲٤. ادعاهای بی‌پایه: **(L)** قهرمان دروغین ادعاهای بی‌اساس مطرح می‌کند.	قهرمان دروغین یا طرف مقابل، در مناظره، ادعاهای بی‌اساس مطرح می‌کند.
۲۵. کار دشوار: **(M)** از قهرمان خواسته می‌شود که کاری دشوار انجام دهد.	از قهرمان خواسته می‌شود که کار دشوار فیزیکی یا علمی و ادبی را انجام دهد.
۲٦. انجام کار دشوار: **(N)** قهرمان، کاری دشوار را انجام می‌دهد.	قهرمان، کار دشوار فیزیکی یا علمی و ادبی را انجام می‌دهد.
۲۷. شناخته شدن: **(Q)** قهرمان شناسایی و تحسین می‌شود.	قهرمان، شناسایی و تحسین می‌شود.
۲۸. رسوایی شریر: **(Ex)** قهرمان دروغین یا شخص خبیث رسوا می‌شود.	قهرمان دروغین یا شخص خبیث رسوا می‌شود.
۲۹. تغییر شکل: **(T)** قهرمان دروغین به شکلی دیگر در می‌آید.	قهرمان به شکلی دیگر در می‌آید.
۳۰. مجازات شریر: **(U)** شخص خبیث به مجازات می‌رسد.	شخص خبیث به مجازات می‌رسد.
۳۱. عروسی: **(W)** قهرمان به شخص مطلوب خویش دست می‌یابد.	قهرمان، به شخص یا شیء مطلوب خویش دست می‌یابد.

پس از تعیین خویشکاری‌های اصلی به این نتیجه می‌رسیم که برای برقراری ارتباط میان برخی از این خویشکاری‌ها و نیز برای تکامل و پیشرفت حوادث، حضورخویشکاری‌های جانبی و کمکی ضروری است؛ مثلاً گفت‌وگویی رخ دهد یا نامه‌ای فرستاده شود. گاهی نیز در جریان روایت، ریزه‌کاری‌هایی گزارش می‌شود که هرچند در سرگذشت اصلی نقش ندارند، ولی به داستان گیرایی می‌دهند و برای پیوند و انسجام رویدادها و خویشکاری‌ها یا شناخت بهتر اشخاص داستان مؤثرند (Ibid: 71- 79)؛ به‌عنوان مثال هنگامی که راوی به سفر

Archive of SID
www.SID.ir

می‌رود و به شهری وارد می‌شود، رسم و آیین استقبال، پیشکش کردن، پذیرایی، مهمان‌نوازی و سرانجام بدرقه کردن و بدرود گفتن در آن دیار توصیف می‌شود. از آنجا که تداوم یافتن همهٔ این خویشکاری‌ها در گرو حضور اشخاصی است که در بستر روایت به ایفای نقش می‌پردازند، در بخش بعد به بررسی شخصیت‌های مقامه می‌پردازیم.

۲- ۳. شخصیت

«شخصیت»، عنصری است که در مطالعات روایت‌شناختی به آن بی‌توجهی شده و کمتر از دیگر عناصر روایت، مورد تحلیل نظام‌مند قرار گرفته است (Toolan, 2001: 80). بسیاری از «روایت‌شناسان ساختارگرا»، شخصیت را موضوعی واقعی برای بررسی نمی‌دانند و در نظریه‌های خود به سختی با آن کنار می‌آیند؛ زیرا خط مشی ساختارگرایی، مرکزیت را از انسان می‌گیرد و با مفاهیم فردیت و ژرفای روان‌شناسی مخالفت می‌ورزد (Rimmon- Kenan, 2002: 30). پراپ نیز در ***ریخت‌شناسی قصه‌های پریان***، نظریهٔ خود را بر مبنای اهمیت قاطع خویشکاری‌های داستان و نه شخصیت‌هایی که آن را انجام می‌دهند، شکل داد. او هفت شخصیت یا هفت حوزهٔ عمل مشترک در ***قصه‌های پریان***، صفات آن‌ها و راه‌های ورودشان به داستان معرفی می‌کند (Propp, 1989: 79- 84). این هفت شخصیت عبارت‌اند از: قهرمان اصلی یا جست‌وجوگر؛ شریر؛ بخشنده؛ اعزام‌کننده؛ یاری‌دهنده؛ شاهزاده‌خانم و قهرمان دروغین.

بر مبنای این نظریه، شخصیت «قهرمان» یا «خبیث» یا «یاری‌رسان» اهمیت ندارد؛ بلکه مهم، عملی است که آن‌ها انجام می‌دهند و آنچه آن‌ها در قصه‌های متعدد انجام می‌دهند، همواره کارکردی مشابه دارد. گفتنی است که در هریک از قصه‌ها لزوماً تمامی این شخصیت‌ها وجود ندارد و ممکن است در روایتی یک شخصیت، بیش از یک نقش بر عهده داشته باشد و یا چند شخصیت با همدیگر یک نقش را ایفا کنند؛ همچنین ممکن است در هر قصه علاوه بر این هفت شخصیت، اشخاصی همچون شاکی و پیام‌آور و... در رویدادهای پیوند دهنده و غیر اصلی، ایفای نقش کنند.

پس از بررسی و مقایسهٔ انواع شخصیت و حوزهٔ عمل مقامه‌های عربی و فارسی براساس نظریهٔ پراپ، به این نتیجه رسیدیم که در این روایات نیز همین هفت شخصیت اصلی و هفت حوزهٔ عمل دیده می‌شود. جدول زیر، خویشکاری‌های منتسب به این شخصیت‌ها را،

www.SID.ir

در روایات گونهٔ مقامه، نشان می‌دهد:

شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها
۱. قهرمان	(↓. O. T. ε. φ. λ. A. C. E. F. K. N. H. J. I . ↑. Rs. Q. γ. δ. W)
۲. شریر	A. λ. ε.φ . H. Ex .U
۳. بخشنده	D.G. M
٤. یاریگر	a . β . B .↑. γ G. M. K. Pr .Q
٥. اعزام‌کننده	B. G. .D
٦. شاهزاده‌خانم	W
۷. قهرمان دروغین	ε .φ. L. λ. H

همان‌طور که می‌بینید، بالاترین بسامد خویشکاری مربوط به «حوزهٔ عمل قهرمان» است. با توجه به اینکه قهرمان داستان‌های مقامات عربی اغلب ادیبی حیله‌گر است، خویشکاری‌های مربوط به «فریب» و «شرارت» شریر قصه‌های پریان، در حوزهٔ عمل قهرمان داستان‌های مقامات عربی نیز دیده می‌شود.

قهرمان در ***مقامات بدیع‌الزمان همدانی*** اغلب ادیبی حیله‌گر به نام ابوالفتح اسکندری[٥] است که همهٔ اعمالش در راستای کسب اندک مالی است که از راه گدایی به دست می‌آورد. قهرمان ***داستان‌های حریری*** نیز ادیبی حیله‌گر به نام ابوزید سروجی است که به وسیلهٔ سخنانی زیبا، کلامی سحرآمیز و فریبکاری، جلب توجه و ترحم، از دیگران اخاذی و حتی دزدی می‌کند؛ ولی قهرمان مقامه‌های فارسی، افراد ناشناسی هستند که نام و نشان آن‌ها معلوم نیست و در هر مقامه، تغییر می‌کنند. این افراد غالباً پیرمردانی[٦] فصیح و بلیغ هستند که هر دو زبان عربی و فارسی را خوب می‌دانند و با وعظ و خطابه و یا مناظره با دیگر دانشمندان هنرنمایی می‌کنند؛ ولی گرایشی به گدایی و فریبکاری ندارند.

پس از «حوزهٔ عمل قهرمان»، بالاترین بسامد خویشکاری مربوط به «حوزهٔ عمل یاریگر» است. یاریگر در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، اغلب ادیبی به نام عیسی بن هشام است که داستان از زبان او روایت می‌شود. یاریگر و راوی داستان‌های حریری نیز ادیبی هنردوست به نام حارث بن همام است که در بیشتر روایات با درم، قلم و قدم خویش قهرمان را در

Archive of SID
www.SID.ir

راستای رسیدن به اهدافش یاری می‌کند؛ ولی یاریگران داستان‌های مقامات فارسی برخلاف مقامات عربی، افرادی شناخته‌شده و معین نیستند؛ بلکه گاه راویان و گاه دوستان نویسنده هستند که در طی سفر با قهرمان آشنا می‌شوند و در مسیر روایت به یاریگری او می‌پردازند؛ به‌عنوان مثال در مقامهٔ «فی العشق»، راوی پس از اینکه دچار عشقی زمینی شده، از بی‌صبری، رنجور و بیمار گردیده، از وجود پیری در بیمارستان اصفهان خبردار می‌شود که دل‌های شکسته را درمان می‌کند و تعویذ عشق می‌دهد. راوی نیز برای درمان درد خویش به نزد آن پیر می‌رود و از یاریگری او برخوردار می‌شود (بلخی، ۱۳٦٥: ۱۱٦).

در مقامهٔ «فی العشق و المعشوق و الحبیب والمحبوب» نیز راوی، عاشق زنی می‌شود که با او بر سر ناز است و بی‌مهری می‌کند؛ اما پس از یاری‌رسانی پیری مرقع‌پوش و دریافت تعویذ عاشقی و دوستی، معشوقش ناگهان دچار تحول می‌شود و از بی‌مهری دست می‌کشد (همان: ۱۳۸).

پس از حوزهٔ عمل یاریگر، بالاترین بسامد خویشکاری مربوط به «حوزهٔ عمل شریر» است. شریر، شخصیتی است که شرارت و فریبکاری انجام می‌دهد؛ با قهرمان می‌جنگد، چنانکه گاه بر او غلبه می‌کند و گاهی رسوا می‌شود؛ به‌عنوان مثال در مقامهٔ «سنجاریه» از مقامات حریری، شریر که دوست و همسایهٔ قهرمان است، از عشق قهرمان به کنیزکش باخبر شده و با شرارت باعث جدایی او از محبوبش می‌شود (الحریری البصری، ۱۳٦٤ :۱٤٤– ۱٥٥).

پس از حوزهٔ عمل شریر، بالاترین بسامد خویشکاری مربوط به «حوزهٔ عمل قهرمان دروغین» است. قهرمان دروغین، شخصی است که برای مدت کوتاهی مانع رسیدن قهرمان به اهدافش می‌شود و گاه موقعیت و پاداش او را غصب می‌کند. این شخصیت علاوه بر روایاتی که در آن جنگ و درگیری فیزکی رخ می‌دهد، در کلیهٔ مقامه‌هایی که در آن قهرمان داستان به مناظرهٔ علمی و ادبی می‌پردازد نیز حضور دارد.

پس از حوزهٔ عمل قهرمان دروغین، بالاترین بسامد خویشکاری، مربوط به «حوزهٔ عمل بخشنده» است. در حوزهٔ عمل بخشنده، افراد متفاوتی ایفای نقش می‌کنند. بخشنده، گاه امیر یا قاضی شهری دوردست است؛ گاهی راوی و اعضای انجمن ادبی او و گاه مردم کوی و برزن؛ به‌عنوان مثال در مقامهٔ «مراغیه» از مقامات حریری، بخشنده، امیری است که پس از مشاهدهٔ هنر سخنوری قهرمان، مجذوب او می‌شود و به او منصب ریاست دیوان انشا را

www.SID.ir

اعطا می‌کند (همان: ٤٨– ٥٧) و در مقامهٔ «نصیبیه» از مقامات حریری، بخشنده، خود قهرمان است که به هنگام بیماری و ناتوانی او، راوی و یاران به عیادت او می‌روند و از بخشندگی و مهمان‌نوازی‌های او برخوردار می‌شوند (همان: ١٥٥– ١٦٢).

کمترین بسامد خویشکاری و ایفای نقش در مقامات، مربوط به «حوزهٔ عمل شاهزاده‌خانم» است. شاهزاده‌خانم فقط در مقامهٔ «بشریه» از مقامات بدیع‌الزمان همدانی (عبده المصری، ١٩٨٣: ٢٤٣– ٢٤٧) و مقامهٔ «فی العشق و المعشوق و الحبیب و المحبوب» از مقامات حمیدی (بلخی، ١٣٦٥ :١٣١– ١٣٩) حضور دارد. با وجود اینکه تنها خویشکاری شاهزاده‌خانم در این روایات، ازدواج (W) است، ولی با همین یک خویشکاری تفاوت نوع نگاه به زن و جایگاه او در مقامه‌های فارسی و عربی آشکار می‌شود.

در روایت قاضی حمیدالدین برخلاف روایت بدیع‌الزمان همدانی، شاهزاده‌خانم، زنی پرده‌نشین و در حصار حرمسرا نیست؛ او زنی آزاده و قدرتمند است که آگاهانه و آزادانه عشق را می‌پذیرد و در فراز و نشیب وصل و دوری به‌عنوان یک عامل اثرگذار و انتخاب‌گر ظاهر می‌شود؛ ولی در روایت بدیع‌الزمان، شاهزاده‌خانم، مستوره‌ای بی‌اراده است که به جز خودش، همگان می‌توانند دربارهٔ آینده و زندگی او تصمیم بگیرند[٧].

٣– ٣. حرکت

پراپ بسط و دگرگونی سازه‌های اولیه قصه را «حرکت» نامید و پس از تعیین خویشکاری‌ها و استخراج اصول و قواعد حاکم بر قصه‌ها به راه‌های ترکیب و حرکت‌های موجود در قصه‌ها پرداخت (Propp, 1989: 66- 74).

قانون کلی حاکم بر روایت‌های گونهٔ مقامه، «حرکت» از آرامش به‌سوی گره‌افکنی، نقطهٔ اوج و سپس گره‌گشایی است. این داستان‌ها اغلب از حرکتی شکل گرفته‌اند که با سفر راوی آغاز می‌شود و پس از ملاقات او با قهرمان اصلی، شرارتی یا نیازی آشکارمی‌شود و با برآورده شدن این نیاز و پیروزی قهرمان به پایان می‌رسند (Ibid: 92). در تعدادی از مقامات پس از گره‌گشایی و پایان داستان اول، شرارت یا نیاز دیگری پیدا می‌شود و داستان ادامه می‌یابد. گاهی نیز در میان قصه، شرارت یا نیاز دیگری آشکار شده، هر دو حرکت با

www.SID.ir

پایانی مشترک، خاتمه می‌یابند.

مقامه‌های «اسدیه» و «موصلیه» از مقامات بدیع‌الزمان و مقامهٔ «عمانیه» از مقامات حریری دارای چنین ترکیبی هستند که در آن یک حرکت، مستقیماً حرکت دیگر را دنبال می‌کند. گاهی نیز داستان دارای *روایتی درونه‌ای* است؛ یعنی در بطن روایت اصلی، جاسازی شده است. مقامهٔ «مضیریه» از مقامات بدیع‌الزمان همدانی و مقامه‌های «کوفیه»، «مراغیه»، «اسکندریه»، «فرضیه»، «سنجاریه»، «فارقیه»، «رقطاء»، «بکریه» و «حرامیه» از مقامات حریری و مقامهٔ «فی السکباج» از مقامات حمیدی دارای چنین ترکیبی هستند که در آن‌ها حرکتی در درون حرکت اولیه تعبیه شده است.

گاهی نیز داستان دارای دو موضوع است که همزمان به پایانی مشترک ختم می‌شوند. مقامهٔ «بشریه» از مقامات بدیع‌الزمان چنین ترکیبی دارد که در آن دو حرکت، پایانی مشترک دارند. پراپ تقسیم‌بندی دیگری از حرکت‌ها نیز در قصه ارائه کرده است و آن، تقسیم حرکت‌ها براساس موضوع و محتوای آن‌ها است که به چهار دستهٔ زیر تقسیم می‌شود:

۱. بسط از طریق خویشکاری جنگ و کشمکش (H- I)؛

۲. بسط از طریق خویشکاری انجام دادن کار دشوار (M- N)؛

۳. بسط از طریق دو خویشکاری کشمکش و کاردشوار (H- I و M- N)؛

٤. بسط بدون هیچ‌یک از خویشکاری‌های (H- I و M- N).

حرکت‌های روایات مقامه‌های فارسی و عربی نیز از نظر محتوا به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. الگوی اول: بسط از طریق خویشکاری جنگ و کشمکش (H- I) که توالی خویشکاری‌های آن چنین است:

α– β- ↑- F– H- L- J– I- ↓- Pr- Rs- Q- W

حرکت روایات شش مقامه (۲٦ درصد) از مقامه‌های قاضی حمیدالدین بلخی[۸] و شش مقامه (۱۱/۵ درصد) از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی[۹] و دو مقامه (٤ درصد) از مقامه‌های حریری[۱۰]، از نوع الگوی اول و براساس بسط از طریق خویشکاری کشمکش (H- I) است.

نمودار این حرکت که از نظر محتوا زیرمجموعهٔ نمودار اول خویشکاری‌های پراپ است، چنین است:

Archive of SID
www.SID.ir

A– B– C– ↑– D– E– F– G– H– J– I– L– ↓– pr– Rs– L– Q– Ex– T- U– W

با مقایسهٔ این الگو با نمودار پراپ، درمی‌یابیم که حرکت روایات این الگو، با وجود برخی تغییرات و کاستی‌ها، شباهت زیادی به نمودار پراپ دارد.

این مقامه‌ها علاوه بر روایاتی که در آن‌ها جنگ و درگیری فیزکی رخ می‌دهد، شامل کلیهٔ مقامه‌هایی نیز می‌شود که قهرمان داستان در آن‌ها به مناظرهٔ علمی و ادبی می‌پردازد.

۲. الگوی دوم: بسط از طریق خویشکاری انجام دادن کار دشوار (M- N) که توالی خویشکاری‌های آن چنین است:

α–β– O– D– E- F– M– N–↑- Pr– Rs- Q

حرکت روایات هفده مقامه (۷٤ درصد) از مقامه‌های قاضی حمیدالدین بلخی[۱۱] و بیست و چهار مقامه (٤۷ درصد) از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی[۱۲] و بیست و یک مقامه (٤۲ درصد) از مقامه‌های حریری[۱۳] از نوع الگوی دوم و براساس بسط از طریق خویشکاری انجام دادن کار دشوار است (M- N). نمودار این حرکت که از نظر محتوا زیرمجموعهٔ نمودار دوم خویشکاری‌های پراپ است، چنین است:

A- B- C- ↑- D- E- F- G- L- M- N- K- ↓- Pr- Rs- Ex- T- U- W

نمودار بالا نیز تقریباً مشابه نمودار پراپ است و تغییراتی که در عناصر آن دیده می‌شود، نشانگر برخی ویژگی‌های خاص روایات گونهٔ «مقامه» در مقایسه با «قصه‌های پریان» است. در بیشتر این روایات، راوی یا در شهرهای مختلف با فردی (قهرمان) مواجه می‌شود که جمعیت زیادی را تحت‌تأثیر هنرنمایی‌های خود قرار می‌دهد یا اینکه او و دوستانش در محفل ادبی خود، آزمونی علمی برقرار می‌کنند و قهرمان با پاسخ‌های عالمانهٔ خویش آن‌ها را حیرت‌زده می‌کند. در این‌گونه روایات، قهرمان داستان با پرورش مضامین و بازی با واژگان، آثاری زیبا و خواندنی به ادب‌دوستان ارائه می‌کند. او در نظم و نثر خود به سجع و صنایع بدیعی اکتفا نمی‌کند و ابداعات شگفت‌انگیز دیگری نیز به آن‌ها می‌افزاید؛ گاه عبارت‌هایی را بیان می‌کند که حروف کلمات آن، به تناوب، منقوط و بدون نقطه است: «أخلاقُ سیدِنا تُحَب و بعَقْوَتِهِ یُلَب و قُربُهُ تُحَفَ و نأیُهُ تلَفُ[۱٤]...» (الحریری البصری، ۱۳٦٤: ۲۰۸) و گاه متنی طولانی را می‌آفریند که همهٔ حروف واژگان آن بدون نقطه است: «الحمدُللهِ الممْدوحِ

Archive of SID
www.SID.ir

الأسْماء المحْمودِ الآلاء الواسعِ العَطا[۱۵]...»(همان:۲۲۲).

قهرمان مقامه‌های قاضی حمیدالدین نیز چنین است؛ آن‌گاه که اعضای انجمن ادبی از او می‌خواهند که صاحب صدران مسند خلافت و امامت را از عهد نبوت تا عصر حاضر به ترتیب نام ببرد، به دو زبان فارسی و عربی، چنان قصاید فصیح و شیوایی را می‌سراید که دیگر ادیبان جز اقرار به توانایی و تحسین او چاره‌ای نمی‌یابند، به‌طوری که گاه با خلق لغز و چیستان‌های دور از ذهن و شاعرانه، اعضای انجمن ادبی را تحت‌تأثیر نبوغ خویش قرار می‌دهد و گاه با آوردن شعر مقلوب در زبان فارسی (که از هر دو طرف یک‌طور خوانده می‌شود)، هنرنمایی می‌کند:

«نز کین مرک یار رای کرم نیک زن» (بلخی، ۱۳٦۵: ۵۹).

۳. الگوی سوم: بسط از طریق دو خویشکاری فریبکاری و انجام کار دشوار (A –λ و M- N) که توالی خویشکاری‌های آن چنین است:

α– β– ↓- T– λ– F– N– G- C- Pr– Ex- U- Q

این حرکت، اختصاص به مقامه‌های عربی دارد و حرکت هیچ‌یک از مقامه‌های قاضی حمیدالدین با این الگو مطابقت ندارد. توالی خویشکاری‌های این حرکت با نمودارهای قصه‌های پراپ تفاوت‌های زیادی دارد. حرکت روایات بیست و شش مقامه (۵۲ درصد) از مقامه‌های حریری[۱٦] و بیست مقامه (۳۹/۵ درصد) از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی[۱۷] از نوع نمودار سوم و براساس بسط از طریق فریبکاری و انجام کار دشوار خویشکاری (A –λ و M- N) است.

در بیشتر این روایات راوی در شهرهای مختلف با فردی (قهرمان)مواجه می‌شود که با فریبکاری‌ها و هنرنمایی‌های کلامی خود از جمعیت زیادی اخاذی و دزدی می‌کند.

یکی از دلایل حضور این فریبکاران به‌عنوان قهرمان مقامه‌های عربی این است که در عربستان از دیرباز، گدایی رواج داشته و سائل، همیشه صنفی از طبقات مردم عربستان را تشکیل می‌داده‌اند؛ به‌طوری که حتی از میان سائلان، ادبا و شعرای نامداری برخاسته‌اند[۱۸] و ظهور اسلام که قسمت اعظم نصایح و مواعظش، مربوط به برآوردن حوایج سائلان است نیز نتوانست گدایی را در مرکز اسلام منسوخ کند (حریری، ۱۳٤٦: ۳۸۲).

در این‌گونه روایات، قهرمان داستان، حیله‌گری است که گاهی به گدایی دست می‌زند و با نمایش چهره‌ای فقیر و ژولیده، تنها یا همراه کودکانی نزار و عریان در کوی و برزن می‌گردد

www.SID.ir

و با بیانی شیوا برای کسب اندکی مال، جلب ترحم می‌کند (الحریری البصری، ١٣٦٤: ٦- ٩) و اگر حیله‌گری با زبان به‌تنهایی کارساز نباشد، از راه‌های تکمیلی وارد می‌شود و برای رسیدن به درهم و دیناری خود را به کوری می‌زند (همان: ٧٥- ٧٩، ٥٧- ٦٤) یا خود را به شکل زنان درمی‌آورد (همان: ١٠٥- ١١٢) یا چنان می‌نماید که مبتلا به بیماری رعشه (همان: ٣٠٢- ٣٠٩) و لقوه و کجی دهان است (همان:٢٦٩- ٢٧٥) و هنگامی که رسوا می‌شود، بدون هیچ شرم و پروایی اعتراف می‌کند که:

أنـــــــا اَبوقَلَمُـــــــــــون فِـــــی کُـــــلِ لَـــــونٍ أکُـــــونُ
إختَـــــر مَـــــنَ الکَســـــبِ دُونـــــاً فـــــاِن دهـــــــــرَکَ دُونُ[19]

(عبده المصری، ١٩٨٣: ٧٨)

٤. بسط بدون هیچ‌یک از این خویشکاری‌ها؛ می‌توان گفت در میان مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی، مقامهٔ «مضیریه» ساختار داستانی متفاوتی دارد که حریری مقامهٔ «سنجاریه» و قاضی حمیدالدین مقامهٔ «فی السکباج» را به تقلید از آن نگاشته‌اند. این مقامه‌ها اگرچه از خویشکاری‌های قصه‌های پریان تشکیل شده است، ولی از نظر توالی و محتوا با نمودارهای قصه‌های پراپ تفاوت‌های بسیاری دارد و در هیچ‌یک از الگوهای بالا نمی‌گنجد. توالی خویشکاری‌های هر سه مقامه چنین است:

α– G– γ- δ- ε- φ– B– L- A- K

در این روایات برخلاف دیگر روایات گونهٔ مقامه، قهرمان به جنگ یا انجام کار دشوار یا فریبکاری نمی‌پردازد؛ بلکه با جمع یاران خود به ضیافتی فراخوانده می‌شود و به هنگام گستردن سفره و به محض دیدن نوع خاصی از غذا آشفته می‌شود و تصمیم می‌گیرد مجلس را ترک کند. دوستان او با دور کردن آن غذا از سفره، او را آرام می‌کنند و علت این حرکت عجیب را جویا می‌شوند. قهرمان اذعان می‌کند که این غذا تداعی‌کنندهٔ خاطره‌ای ناگوار در زندگیش است و در توضیح به بیان داستانی می‌پردازد که توجیه‌کنندهٔ عمل اوست. دوستان و یاران قهرمان پس از شنیدن این داستان برای ابراز همدردی و موافقت با او همگی سوگند یاد می‌کنند که هرگز لب به این غذا نزنند.

با مقایسهٔ این چهار الگو می‌توان نتیجه گرفت که ١٢٤ روایت مقامه‌های فارسی و عربی نیز همانند قصه‌های پریان در چارچوب یک روایت خلاصه می‌شود و این ١٢٤ مقامه، اشکال

Archive of SID
www.SID.ir

مختلف یک طرح اولیهٔ بنیادین است که به خلق و ایجاد مقامه به‌عنوان گونه‌ای مستقل می‌پردازد. توالی خویشکاری‌های این طرح چنین است:

α- β– ↓– O- T- ε- φ– λ- A- B- C- D- E- F- K- M- N- H- L- J- I- ↑- Pr- G- Rs- Q- γ- δ- Ex- U- W

۴. نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه دربارهٔ ریخت شناسی مقامه‌های فارسی و عربی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که مقامه گونه‌ای روایی و مستقل است که «خویشکاری»، عنصر اصلی طرح ساختار آن به شمار می‌رود. ساختار این روایات، با وجود فراوانی و تنوع ظاهری، از نظر «انواع قهرمان» و «عملکرد» آنان دارای نوعی وحدت و هماهنگی متقابل است. وجود ثبات در ساختمان این روایات سبب می‌شود تعریفی از آن به این شرح بیان کنیم که: «مقامه، گونه‌ای روایی تابع یک نمودار هفت شخصیتی است که بر پایهٔ تناوب ۳۱ خویشکاری به‌صورت‌های مختلف ساخته می‌شود».

ترکیب حرکت‌های روایات گونهٔ مقامه براساس محتوای آن‌ها به چهار الگوی فرعی زیر تقسیم می‌شود:

۱. بسط از طریق خویشکاری انجام دادن کار دشوار (M- N): حرکت روایات در ۷٤ درصد از مقامه‌های قاضی حمیدالدین بلخی و ٤۷ درصد از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی و ٤۲ درصد از مقامه‌های حریری، براساس این الگو است؛

۲. بسط از طریق دو خویشکاری فریبکاری و انجام کار دشوار (λ– A و M- N): این حرکت فقط اختصاص به مقامه‌های عربی دارد و حرکت روایات در ۵۲ درصد از مقامه‌های حریری و ۳۹/۵ درصد از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی براساس این الگو است؛

۳. بسط از طریق خویشکاری جنگ و کشمکش (H- I): حرکت روایات در ۲٦ درصد از مقامه‌های قاضی حمیدالدین بلخی و ۱۱/۵ درصد از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی و دو مقامه، معادل چهار درصد از مقامه‌های حریری، بر اساس این الگو است؛

٤. بسط بدون هیچ‌یک از این خویشکاری‌ها: حرکت در روایات مقامه‌های «مضیریه» از مقامه‌های بدیع‌الزمان همدانی و «سنجاریه» از مقامات حریری و «فی السکباج» از مقامات

Archive of SID
www.SID.ir

حمیدی، اگرچه از خویشکاری‌های روایات مقامات تشکیل شده است؛ ولی از نظر توالی و محتوا با دیگر مقامه‌ها تفاوت‌های بسیاری دارد و در هیچ‌یک از الگوهای بالا نمی‌گنجد.

درمجموع با مقایسهٔ این چهار الگو، این نتیجه به دست آمد که ۱۲٤ روایت مقامه‌های فارسی و عربی در چارچوب یک روایت خلاصه می‌شود. این ۱۲٤ مقامه، اشکال مختلف یک طرح اولیهٔ بنیادین است که به خلق و ایجاد گونهٔ روایی مقامه می‌پردازد. توالی خویشکاری‌های این طرح چنین است:

α -β– ↓– O- T- ε- φ– λ- A- B– C- D– E- F– K– M– N- H- L- J- I- ↑- Pr– G– Rs– Q– δ– γ– –Ex– U- W

نمودارهای مربوط به ترکیب حرکت‌های مقامه‌های فارسی و عربی براساس محتوای آن‌ها:

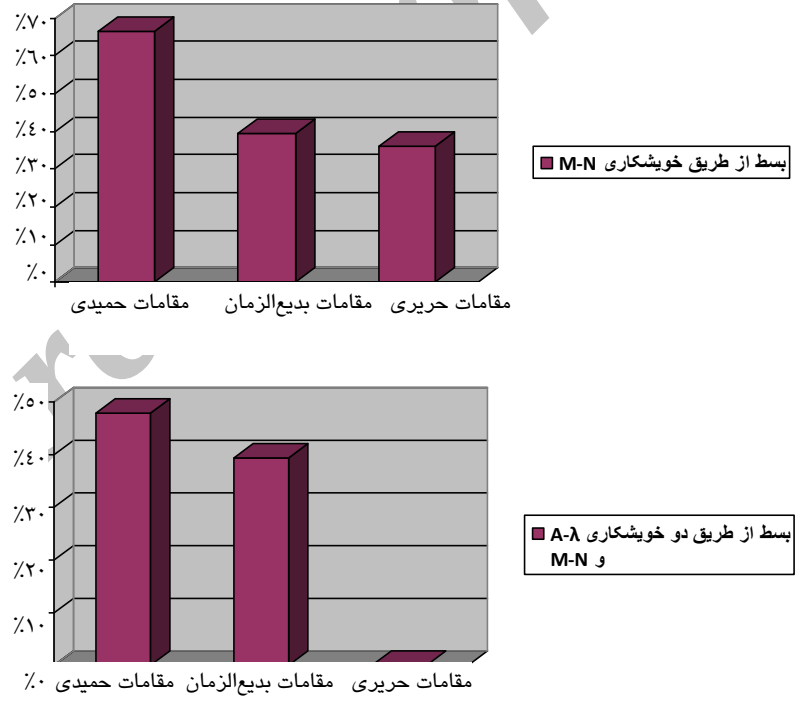

www.SID.ir

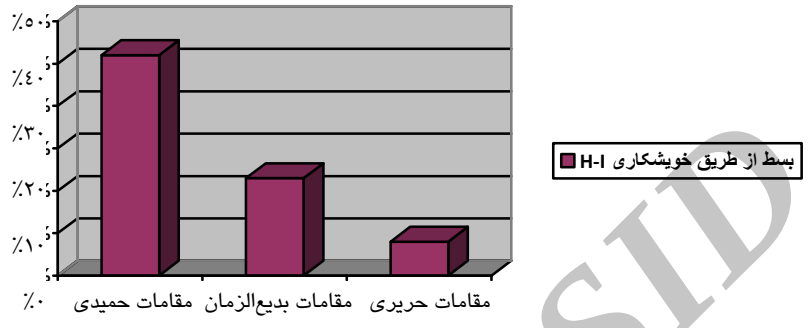

۵. پی‌نوشت‌ها

۱. «ارجوزه»، به قصایدی اطلاق می‌گردد که در بحر رجز گفته می‌شود.

2. Morphology
3. A.N.Afanassiev
4. Function

۵. به جز دو مورد: الف. در مقامهٔ «صیمریه» که قهرمان آن، محمد، پسر اسحاق معروف به ابوعنبس و ب. در مقامهٔ «بشریه» که قهرمان آن بشر، پسر عوانهٔ عبدی، نام دارند.

٦. در بعضی مقامه‌ها ایفاگر این نقش، فردی جوان است؛ ازجمله مقامه‌های« فی الشیب و الشباب»، «فی المجنون» و «فی صفة الشتاء».

۷. در این روایت، راهزنی به نام بشر به توصیهٔ همسرش- برای اینکه دختر عمویش، فاطمه، با افراد قبایل دیگر ازدواج نکند- به خواستگاری او می‌رود! پدر دختر که راضی به این ازدواج نیست، بدون اینکه نظر دختر خویش را بپرسد، موانع زیادی بر سر راه راهزن می‌گذارد. هنگامی که بشر راهزن، از تمام آزمون‌ها سربلند بیرون می‌آید و پدر دختر اجازهٔ این ازدواج را صادر می‌کند، با جوانی روبه‌رو می‌شود که او نیز طالب فاطمه است. جوان با بشر مبارزه می‌کند و چندین بار بر او پیروز می‌شود؛ ولی حاضر به کشتن بشر نمی‌شود و سرانجام به بشر می‌گوید که «من پسر تو هستم». در پایان داستان، بشر بدون هیچ‌گونه پرسشی از فاطمه، او را به عقد پسرش در می‌آورد!

۸. فی الشیب و الشباب، فی المناظرة بین السنی و الملحد، فی العشق، بین اللاطی و الزانی، بین الزوجین و بین الطبیب و المنجم.

۹. المقامة الاسدیة، المقامة الغیلانیة، المقامة الجاحظیة، المقامة الصیمریة، المقامة الشعریة و المقامة البشریة.

۱۰. المقامة المغربیة و المقامة الرقطاء.

Archive of SID
www.SID.ir

۱۱.فی الملمعة، فی الغزو، فی الربیع، فی اللغز، في السیاح، فی التصوف، فی الوعظ، في المسائل الفقهیة ،فی السفر و الرفاقة، فی العشق والمعشوق و الحبیب و المحبوب، فی المجنون، فی اوصاف البلخ، فی السمرقند، في صفة الشتاء، فی التعزیة و فی النسابة.

۱۲.المقامة القریضیة، المقامة البلخیة، المقامة السِجستانیة، المقامة الاهوازیة، المقامة البصریة، المقامة الوعظیة، المقامة العراقیة، المقامة الحمدانیة، المقامة الرصافیة، المقامة المغزلیة، المقامة الشیرازیة، المقامة الحلوانیة، المقامة النهدیة، المقامةالابلیسیة، المقامة الناجمیة، المقامة الخلفیة، المقامة العلمیة، المقامة النیسابوریة، المقامة العلمیة، المقامة الوصیة، المقامة الدیناریة، المقامة الملوکیة، المقامة الصفریة و المقامة التمیمیة.

۱۳.المقامة الحلوانیة، المقامة الدیناریة، المقامة المراغیة، المقامة الفَرضیة، المقامة القَهقَریة، المقامة النصیبیة، المقامة الفُراتیة، المقامة الشعریة، المقامة القَطیعیة، المقامة الصوریة، المقامة الطیبیة، المقامة الشیرازیة، المقامة المرویة، المقامة الملطیة، المقامة النجرانیة، المقامة البکریة، المقامة الشتویة، المقامة الرملیة، المقامة الحلبیة، المقامة الساسانیة و المقامة البصریة.

۱٤. اخلاق سرور ما را دوست دارند و در منزلش مقیم می‌شوند و نزدیکی کردن به او هدایایی را در پی دارد و دوری از او سبب هلاکت می‌شود.

۱۵. سپاس بر آن خدایی که نام‌هایش ستوده است و نعمت‌هایش نیکو و عطایش فراخ و وسیع است.

۱۶.المقامة الصنعانیة، المقامة الدمیاطیة، المقامة الکوفیة، المقامة البرقَعیدیة، المقامة المعریة، المقامة الإسکندریة، المقامة الرحبیة، المقامة الساویة، المقامة الدمشقیة، المقامة البغدادیة، المقامة المکیة، المقامة الفارقیة، المقامة الرازیة، المقامة الکَرجیة، المقامة الوبریة، المقامة السمرقَندیة، المقامة الواسطیة، المقامة التفلیسیة، المقامة الزبیدیة، المقامة الصعدیة، المقامة التنیسیة، المقامة العمانیة، المقامة التبریزیة، المقامة الرملیة، المقامة الحجریة و المقامة الحرامیة.

۱۷.المقامة الأزاذیة، المقامة الکوفیة، المقامة الأذربیجانیةِ، المقامة الجرجانیة، المقامة الأَصفَهانیة، المقامة البغداذیة، المقامة الفزاریة، المقامة المکفوفیة، المقامة البخاریة، المقامة القزوینیة، المقامة الساسانیة، المقامة القِردیة، المقامة الموصلیة، المقامة الحرزیة، المقامة المارستانیة، المقامة المجاعیة، المقامة الأسودیة، المقامة الأرمنیة، المقامة الخمریة و المقامة المطلبیة.

۱۸. برای اطلاع بیشتر ر.ک. الحسین، احمد. (۱۹۹۵م). ***ادب الکدیة فی العصر العباسی***. ط۲. دارالحصار النشر و التوزیع.

۱۹. من بوقلمونی رنگارنگ هستم.

– کسب پایین و پست انتخاب کن؛ چون روزگار پست است.

Archive of SID
www.SID.ir

۶. منابع

- بکر، أیمن. (۱۹۹۸). ***السرد فی مقامات الهمذانی***. مصر: الهیئة المصریة العامة الکتاب.
- بلخی، قاضی حمیدالدین. (۱۳٦۵). ***مقامات حمیدی***. تصحیح رضا انزابی‌نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حریری، فارس ابراهیم. (۱۳٤٦). ***مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن***. تهران: دانشگاه تهران.
- حریری البصری، القاسم بن علی. (۱۳٦٤). ***مقامات الحریری***. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی شهید محمد رواقی.
- حریرچی، فیروز و محمدحسین کاکویی. (۱۳۸۸). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در مقامات حریری». ***انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی***. ش۱۱. صص٦۳- ۹۰.
- دادخواه، حسن و لیلا جمشیدی. (۱۳۸٦). «عنصر شخصیت در مقامات حریری و حمیدی». ***نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان***. ش۲۱. صص۱۷- ٤٤.
- سلیمان، موسی. (۱۹۸۳). ***الادب القصصی عند العرب***. لبنان: دارالکتب اللبنانی.
- ضیف، شوقی. (بی‌تا). ***تاریخ الادب العربی؛ العصر الاسلامی***. ط۸. قاهرة: دارالمعارف.
- ---------- . (۱۹۵٦). ***المقامة (سلسلة فنون الادب العربی)***. بیروت: مکتبة الاندلس.
- عبده المصری، محمد. (۱۹۸۳). ***مقامات ابی‌الفضل بدیع‌الزمان الهمذانی و شرحها***. ط۲. بیروت: دارالمتحدة للنشر.
- غنیمی الهلال، محمد. (۱۳۷۳). ***ادبیات تطبیقی(تاریخ و تحول، اثرپذیری، اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)***. ترجمهٔ مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.

Reference:

- Abdah El Mesry, M. (1983). *Abilfadl Badi'ozaman Hamdani's Maqamat & Explanations*. Beirut: Daral-Motahede Pub. [In Arabic].
- Bakr, Ayman. (1998). *Narrative in Hamadani's Maqamat*. Egypt: Egyptian General Authority Alketab [In Arabic].

Archive of SID
www.SID.ir

- Balkhi, Gazi Hamidoddin. (1996). *Hamidi's Maqamat*. Tehran: Center for Academic Publication [In Persian].
- DadKhah, Hassan & Leila Jamshidi. (2007). "Character in Hariri's Maqamat & Hamidi's Maqamat". *Journal of Literature and Language, Faculty of Lettersand Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman*. No. 21. pp. 17-44 [In Persian].
- Ghanami Al-Helal, Mohammad. (1994). *Comparative Literature* (History, Evolution Effectionability and Effects of Islamic Culture and *Literature*). Translated by M. Ayattollah-zade Shirazi. Tehran: Amir Kabir Pub. [In Persian].
- Harirchi, Fairuz & Mohammad-hossein Kakaei. (2009). "Character & Characterization in Hariri's Maqamat". *Iranian Journal of Arabic Language and Literature Association*. No. 11. pp. 63-90 [In Persian].
- Hariri El Basri, Q.A. (1995). *Hariri's Maqamat*. Tehran: Ravaghi Pub. [In Persian].
- Hariri, Fares E. (1967). *Maqameh Writing in Persian Literature & Influence of Arab Maqamat on It*. Tehran: University of Tehran [In Persian].
- Propp, V. (1989). *Morphology of The Folktale*. Trans: Laurence scott. Austin: University of Texas Press.
- Rimmon– Kenan, Shlomith. (2002). *Narrative Fiction. Contemporaay Poetics*. London and New York: Routledge.
- Suleiman, Mousa. (1983). *Fiction at the Arabs*. Lebanon: Lebanon's Dorol-Kotob [In Arabic].
- Toolan, Michael, J. (2001). *Narrative a Critical Linguistic Introduction*. London: Routledge.
- Zeif, Shoqi. (1956). *Maqama*. Beirut: Maktaba-Al-Andalus [In Arabic].
- ----------. (Undated). *History of Arabic Literature*. Islamic Period 8th. ed., Cario: DARALMA´AREF [In Arabic].

Archive of SID
www.SID.ir